



ماجرای شیعه امام کاظم(ع) و سؤال دور از انتظار وزیر هارون

محفل جشنی برپا بود و مقام‌های کشوری و لشکری دور تا دور مجلس نشسته بودند، ناگهان وزیر هارون‌الرشید به یکی از شیعیان امام موسی کاظم(ع) گفت: شنیدم که تو پیرو موسی بن جعفر هستی؟! همه نگاه‌ها به سوی آن شخص جلب شد.

محفل جشنی برپا بود و مقام‌های کشوری و لشکری دور تا دور مجلس نشسته بودند، ناگهان وزیر هارون‌الرشید به یکی از شیعیان امام موسی کاظم(ع) گفت: شنیدم که تو پیرو موسی بن جعفر هستی؟! همه نگاه‌ها به سوی آن شخص جلب شد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، حجت‌الاسلام ناصر رفیعی کارشناس دینی با اشاره به شبیه یاران امام موسی کاظم(ع) در نشر معارف اهل بیت(ع) به بیان داستانی کوتاه و جالب از باب الحوائج(ع) پرداخت که در ادامه می‌آید:

شخصی خدمت امام موسی کاظم(ع) آمد و گفت: یا بن رسول الله! فلانی بی‌دین است، فلانی منافق است، فلانی ضد شما است!

امام کاظم(ع) فرمود: بنشین! چه شده است!

گفت: آقا! من خودم دیدم و شنیدم، فلان آقا بود، در مجلس وزاری بغداد - وزرای هارون الرشید- دور تا دور نشسته بودند، این آقا که اظهار دوستی به شما می‌کنند، در جلسه بود، وزیر هارون الرشید از او پرسید: شنیدم که امام شما موسی بن جعفر(ع) است؟

آن شخص گفت: هر که موسی بن جعفر(ع) را امام بدانند، لعنت به او! موسی بن جعفر غیر از امام است، امام نیست، اگر این عقیده را نداشته باشم، خدا و پیامبرش من را لعنت کنند.

امام(ع) فرمود: حرف درستی زده است! یعنی موسی بن جعفر غیر از امام باطل است، من امام باطل نیستم، من امام بر حق هستم، هارون الرشید امام باطل و امامی که ستمگر است، سخن او یعنی موسی بن جعفر پیشوای ستمگر نیست، منظورش این بود.

گفت: آقا! همچین چیزی به ذهن من نرسید! این را شما می‌فرمایید.

امام کاظم(ع) فرمود: روشن است آدمی که شیعه و پیرو ماست و ما را قبول دارد، باید در مجلس دشمن و پیش وزیر هارون الرشید تقیه کند.